

آموزش و پرورش کانادا

هوشنگ غلامی

■ شناخت ویژگی‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف می‌تواند به‌عنوان یک تجربه برای آموزش و پرورش ما نیز مفید باشد. لذا با هم ویژگی‌های آموزش و پرورش کانادا را پی می‌گیریم.

■ ابعاد تحول

در آمریکای شمالی، وقتی از کیفیت نظام آموزشی صحبت می‌کنیم و از تحول می‌گوییم، همواره روی سه نکته و مؤلفه تمرکز می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها ساختار است. ساختار در واقع بدنه‌ای است که ما برای نظامی طراحی می‌کنیم و می‌گوییم آن نظام چگونه باید باشد. مؤلفه دوم عملکرد این ساختار است که از آن به‌عنوان نظام یاد می‌کنیم. شما اگر می‌خواهید تحول ایجاد کنید، باید به سه مؤلفه توجه کنید: اول ساختار، بعد نظام (سیستم) و پس از آن نیز فرهنگ.

■ تمرکز بر خروجی

در نظام آموزشی کانادا، واقعاً به یک خروجی فکر می‌کنند و آن هم موفقیت دانش‌آموزان است. موفقیت دانش‌آموزان با چه چیز تعریف می‌شود؟ با این تعریف می‌شود که نخست در زندگی خود انسان مفیدی باشند. دوم برای جامعه مفید باشند؛ صرف‌نظر از اینکه چه کاری را به دست می‌آورند. سوم اینکه کاری را به دست بیاورند که این کار در واقع شایسته باشد و درآمد شایسته‌ای هم داشته باشد.

■ اهداف روشن

در نظام آموزشی کانادا اهداف خیلی گسترده نیستند. اگر شما ۱۰ استان و سه منطقه خاص کانادا را در نظر بگیرید، می‌بینید خیلی اهداف گسترده‌ای را دنبال نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، در آموزش و پرورش استان آلبرتا، چند هدف را بیشتر دنبال نمی‌کنند. می‌خواهند انسان‌ها اخلاقی بار بیایند. کار آفرین باشند. بتوانند همکاری و همیاری داشته باشند. ارتباطات لازم را برقرار کنند. تفکر خلاق و تفکر انتقادی داشته باشند. این‌ها مجموعه اهدافی هستند که آموزش و پرورش مثلاً در استان آلبرتا باید دنبال کند. صد هدف نیست که ما به دنبال آن‌ها برویم. همه این چند هدف عمده که این استان دنبال می‌کند، مربوط می‌شود به خود شخص، زندگی شخصی و زندگی در جامعه. پیوستگی شخص و اجتماع و جامعه می‌تواند کمک کند به فرد در جامعه بلافصلی که در آن زندگی می‌کند.

■ پروژه محوری

معلمان حرفه‌مند پروژه‌های یادگیری برای بچه‌ها طراحی می‌کنند که از پیش‌دبستان شروع می‌شود و تا پایان دوره دبیرستان ادامه می‌یابد. برای مثال، برای تحقق پروژه، به یک



او ایجاد کنیم. برای همین است که در نظام آموزشی کانادا، یادگیری در مدرسه تمام نمی‌شود، بلکه یادگیری ادامه دارد. نظام آموزشی در واقع ملزم شده است شرایط مناسب را در نظر بگیرد تا افرادی که به سن قانونی (۱۹ سالگی) می‌رسند و دیگر نمی‌توانند در مدرسه بمانند، اما می‌خواهند بعد از آن درس بخوانند، بتوانند به‌طور رایگان در آموزش‌های برخط یا حضوری شرکت کنند. بنابراین، این آموزش از پیش از دبستان شروع می‌شود و تا لحظه مرگ ادامه دارد و دولت وظیفه دارد برای آن هزینه کند. این رویکردی است که نظام آموزشی انتخاب کرده و به پای آن هم نشسته است.

تفاوت‌های فردی

مورد قابل توجه دیگر در نظام آموزشی کانادا، متمایزسازی است. ما باید بتوانیم تفاوت‌های فردی و علاقه‌های افراد را در نظر بگیریم. متمایزسازی یا جداگانه‌سازی اساس کار است. در کنار آن، تازه متمایزسازی به تنهایی پاسخ‌گو نیست. شخصی‌سازی است که به کمک می‌آید. شخصی‌سازی چرا مطرح می‌شود، برای آنکه سرعت یادگیری متفاوت است. بعد از آن هم سبک‌های یادگیری متفاوت هستند.

دانش‌آموز در دوره متوسطه، چگونگی رشد کودک را یاد می‌دهند. یعنی در درس زیست‌شناسی، بچه‌ها مراحل رشد کودک را فرا می‌گیرند و پروژه تعریف می‌کنند. بچه‌ها یاد می‌گیرند چگونه این فرهنگ را جست‌وجو کنند. چگونه به محیط زیست احترام بگذارند. چگونه به خاک احترام بگذارند و چگونه خاک را سالم نگه دارند؛ همچنان که باید خودشان را سالم نگه دارند.

بنابراین، باید بگویم که برنامه‌های درسی کاملاً به فرهنگ وابسته‌اند. اما از یک بعد دیگر که نگاه کنیم، ذات برنامه درسی در کانادا و آمریکای شمالی شایستگی‌محور است. این برنامه درسی شایستگی‌محور با خودش تبعاتی دارد. یعنی با خودش یک مجموعه اتفاق را به همراه می‌آورد. یعنی وقتی ما رویکردی را برای برنامه درسی انتخاب می‌کنیم، چه چیزهایی به دنبال آن می‌آیند که باید به آن‌ها توجه لازم را داشته باشیم. یکی از آن توجه‌های اساسی، شایستگی‌محوری است. اگر به‌صورت نظری به گذشته برگردیم، یادگیری در حد تسلط علوم را در نظر بگیریم که می‌گفتند زمان مهم نیست، بلکه یادگیری مهم است. مهم آن است که ما به تسلط برسیم. یعنی هر شاگرد در مدرسه اهمیت دارد و ما باید فرصت کافی برای



معلم حق انتخاب کتاب درسی را دارد

در کانادا کتاب درسی وجود ندارد. یعنی آموزش و پرورش نه کتاب درسی چاپ و نه کتاب درسی خاصی را توصیه می‌کند. این شیوه در سطح نظام آموزشی آنجا مطرح است و اعمال می‌شود. اما آیا کتاب درسی برای دانش‌آموزان وجود دارد یا ندارد، پاسخ مثبت است. شرکت‌های متعددی وجود دارند، مانند ایران.

در کانادا هر کس می‌تواند یک شرکت ایجاد کند و کتاب درسی بنویسد و کتاب درسی را مبتنی بر اهداف و برنامه‌های درسی می‌نویسد که نظام آموزشی درست کرده است. پس از آن، انتخاب‌کننده کتاب درسی خود مدرسه است. مدرسه و معلم توأمان عمل می‌کنند. یعنی معلم به مدرسه می‌گوید من این کتاب‌ها و منابع را تشخیص داده‌ام که برای کلاس مفیدند. این‌ها را برای من تهیه کنید و مدرسه هم می‌رود و آن را تهیه می‌کند. پس انتخاب اصلی با معلم است. معلم می‌تواند حتی هیچ کتابی را انتخاب نکند و بگوید من خودم مواد و منابع را آماده می‌کنم و همان را آموزش می‌دهم. هیچ کس نمی‌رود به لحاظ حرفه‌ای دست معلم را بگیرد که شما کار خبط و خطایی کردید. چنین چیزی وجود ندارد. معلم به قدری حرفه‌مندی دارد که می‌تواند خودش این کار را انجام دهد. معلم، انواعی از برنامه‌های کاربردی را برای دانش‌آموزان معرفی می‌کند؛ در ریاضی، علوم، مطالعات اجتماعی و غیره. بعد از آن به بچه‌ها می‌گوید این منابع هم هست. از هر کدام می‌توانید یاد بگیرید. بعد از آن، معلم تکالیفی را تعیین می‌کند و می‌خواهد تکالیف را جواب بدهند. حالا با وجود این همه نرم‌افزار و وبگاه که هم آموزش و پرورش فراهم می‌کند و هم از افراد و مراکز ثالث بهره گرفته می‌شود، کار انجام خواهد شد. کیفیت همه افراد و مراکز ثالث در مدرسه ارزیابی می‌شود.

می‌دانید که قبلاً در ایران در مراکز تربیت‌معلم درسی داشتیم به نام «تولید و ارزیابی مواد آموزشی». اینجا این مسئله عملی بر اساس معیارهای فناوری آموزشی عملی می‌شود. هم وبگاه‌ها و هم برنامه‌ها و هم سایر نرم‌افزارها ارزیابی می‌شوند. یک شرکت بسیار بزرگ بین‌المللی آنجا هست به نام «پیرسون» که به تازگی کتاب‌های درسی بسیار خوبی را که بر برنامه درسی جدید مبتنی باشد، تألیف می‌کند. کار آن‌ها فوق‌العاده است. کتاب‌ها واقعا جالب هستند و اگر انسان بخواهد برای هر کتابی معادل ده واحد درسی در دانشگاه تدریس کند، جا دارد، چون کتاب‌ها از نظر برنامه درسی و آموزش فنی هستند.

دوستدار کودک

در کانادا دوستدار کودک هستند و به آموزش دانش‌آموزان ابتدایی بسیار اهمیت می‌دهند. بنابراین، محیط‌های یادگیری اینجا کاملا منطبق هستند با آنچه کودک می‌خواهد. از پیش‌دبستان تا پایان کلاس دهم، اساسا بچه‌ها تکلیف

خانه ندارند. چیزی به مفهوم اینکه تکلیف خانه داشته باشی و الان باید این امتحان را بدهی، فردا باید آن امتحان تیزهوشان را بدهی، یا در آن آزمون شرکت کنی. در محیط آموزشی غریب و عجیب است که از معلم بخواهیم به بچه‌ها تکلیف اضافه بدهد! یا چرا این معلم به بچه‌ها تکلیف نمی‌دهد تا در خانه انجام دهند.

در اینجا همیشه از روان‌شناسی مثبت‌نگر بهره‌برداری می‌کنند. به لحاظ اینکه به یک راهبرد سنجش هم اشاره کنم، باید نشست والدین با معلمان و نشست دانش‌آموز با دانش‌آموز را مطرح کنم. هیچ معلمی در هیچ نقطه‌ای از کانادا به دانش‌آموز نمی‌گوید و نمی‌تواند از نظر سیستمی و اخلاقی بگوید شما دانش‌آموزی هستی که نمی‌توانی موفق باشی یا مثلا شما کند هستی. شما دیرفهم هستی. آنچه شما در کارنامه بچه‌ها مشاهده می‌کنید و عموماً کارنامه‌های توصیفی هستند، همه مهارت‌های قرن بیست و یکمی هستند که ارزیابی می‌شوند و مورد توجه قرار دارند. مانند مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، ارتباطات و همکاری، و رشد شخصی و اجتماعی. به همه این‌ها در سنجش توجه می‌شود و این مهارت‌ها در کنار درس‌های ریاضی، اجتماعی و علوم دیده و گزارش می‌شوند. در این گزارش‌ها همیشه وجه مثبت موضوع در نظر گرفته می‌شود.

چهار نوع کتابخانه

در کانادا چهار نوع کتابخانه داریم که به هم پیوسته‌اند. کتابخانه کلاس درس، کتابخانه مدرسه، کتابخانه عمومی شهر و کتابخانه دانشگاه. این چهار کتابخانه به هم متصل هستند و از همدیگر حمایت می‌کنند. علاوه بر این‌ها، ناشران نیز از مدرسه حمایت و از کتابخانه‌ها پشتیبانی می‌کنند. همیشه ناشران به مدرسه می‌آیند و کارهای خود را ارائه می‌کنند؛ حتی نویسندگان هم به مدرسه می‌آیند. از حیث اینکه بگوییم ما معلم کتابخانه داریم، بله داریم؛ معلم‌یار هم داریم. هر معلمی منابع یادگیری متناسب با کلاس را در کتابخانه کلاس موجود دارد و کتابخانه مدرسه نیز سرچای خودش هست و کتابخانه‌های عمومی نیز به صورت تقریباً روزانه ده ساعت در اختیار عموم، به‌ویژه دانش‌آموزان، قرار دارند. در کتابخانه‌های عمومی کتابداران آموزش دیده وجود دارند که دانش‌آموزان به آنان مراجعه می‌کنند و می‌گویند مثلا معلم ما این تکلیف و پروژه را به ما داده است، شما چه کمکی می‌توانید به من ارائه کنید که از آن استفاده کنیم. از سوی دیگر، من بزرگ‌سال که از کتابخانه عمومی استفاده می‌کنم، یک موقع لازم دارم به‌عنوان متخصص کتابی را از دانشگاه بگیرم و مطالعه کنم. همین را هم می‌توانم به کتابخانه عمومی که نزدیک منزل هست بگویم که از دانشگاه فلان کتاب را برای من بگیرید و بیاورید. یعنی کتابخانه عمومی این سرویس را می‌دهد.